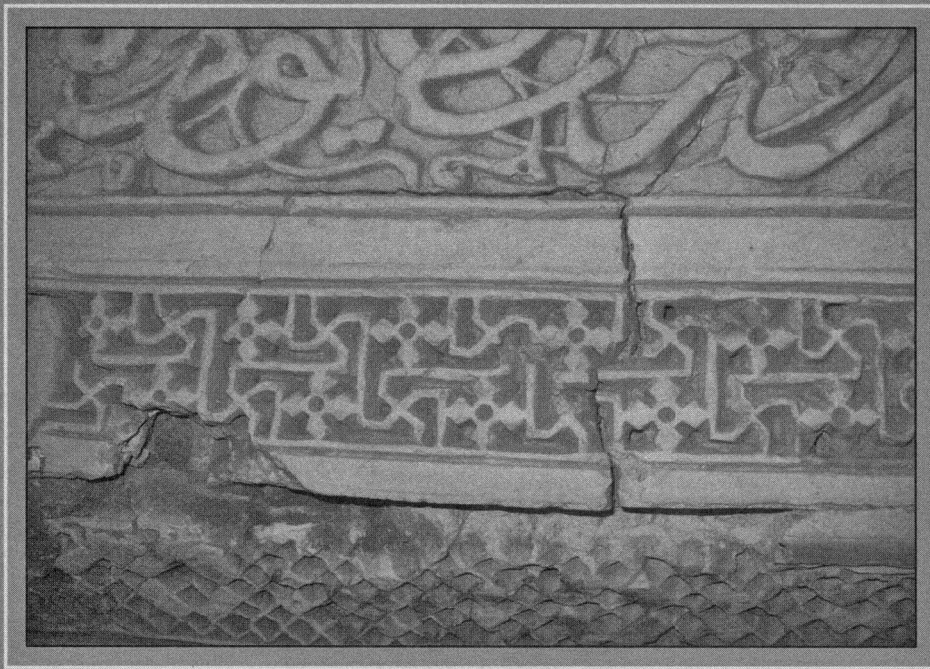




مطالعه زیرساخت‌های طبیعی و فرهنگی در شکل‌گیری
شهر گرگان (جرجان) در دوران اسلامی با مطالعه موردی:
کاوش در محوطه اسلامی شهر گرگان (جرجان)



خلاصه پایان‌نامه

نگارش: محمد مرتضایی
دانشگاه تربیت مدرس

استاد راهنما: دکتر محمدیوسف کیانی

۱۳۸۶

مطالعه زیرساخت‌های طبیعی و فرهنگی در شکل‌گیری شهر گرگان (جرگان) در دوران اسلامی با مطالعه موردی: کاوشی در محوطه اسلامی شهر گرگان

محمد مرتضایی

عضو هیئت علمی پژوهشکده باستان‌شناسی

است. ردپایی که شاید بتوان آن را نشانه‌هایی از مفهوم تداوم تاریخی دانست. مفهومی که فضا را از یک معنای مادی به یک مفهوم غیر مادی و هویتی تبدیل می‌نماید.

ظهور اسلام در ایران، منجر به رسوخ ارزش‌های جدیدی در فرهنگ ایران گردید. پیشینه فرهنگی غنی و خصلت‌های ویژه ایرانیان، نقطه اوج هنر اسلامی را نصیب ایشان نمود. سرشت عمیقاً هنری ایرانیان و عشق ایشان به زیبایی، دقت و ظرافت به آنان امکان داد نه تنها یکی از مدارس عظیم هنر را در جهان باستان و در ایام حکومت هخامنشیان، پارتیان و ساسانیان برپا سازند، بلکه اصول مذهب اسلام را نیز جذب کنند و در خلق آثار خیره‌کننده بسیاری در عرصه هنرهای اسلامی به کار گیرند. این فرایند جذب فرهنگی در معماری و شهرسازی نیز رخ می‌نمایاند و شهر ایرانی پس از ظهور اسلام، در استحاله ناشی از پذیرش جهان بینی، جدید، به پاره‌ای از اصول دیرین خود وفادار می‌ماند و سیمای شهرهای ایرانی در دوره اسلامی از به هم آمیختگی سیمای شهرهای نویناد اسلامی شکل می‌گرفت.

بصره، کوفه، فسطاط و بغداد، فرم کلی منتظم خود را از شهرهای ساسانی و پارتی وام گرفتند. جدایی نهایی اروپای اسلامی از خلافت عباسیان و تغییر مکان خلافت از دمشق به سوی مناطق شرق، یعنی در نزدیکی تیسفون - قصر پادشاهان قدیم ایران به بغداد تازه ایجاد شده باعث گردید که نفوذ عناصر ایرانی نسبت به عناصر غربی در فرهنگ و هنر شرق پیشی بگیرد. رشته‌ای که در دوره نخست باعث پیوند تمدن اسلام با تمدن عتیق یونان شده بود، سست گردید و به کمک بزرگان ایرانی که در دربار خلفا به قدرت رسیده بودند، پیوند جدیدی با سنت‌های قدیم ساسانی که هنوز در بین‌النهرین رواج داشته زده شد. تمدن و فرهنگ ایرانی هر چند با انقراض دولت ساسانی و در اثر غلبه سیاسی اعراب، رنگ اسلامی گرفت، اما باز از طریق نفوذ در اعراب رنگ خاصی به تمدن اسلامی آن عصر داد و شاید بتوان گفت که به آن نیروی دوام و بقایای بیشتری بخشید. این تضارب در قرون بعد نیز همچنان ادامه می‌یابد و این جریان تا قرن دوازده هجری، با تفوق و برتری فرهنگ و هنر ایرانی بی وقفه تداوم می‌یابد.

با فاصله گرفتن از حکومت‌های اموی و عباسی که حرص و آز و جاه‌طلبی دنیوی چون حجابی ارزش‌های معنوی و اخلاقی اسلامی را کمرنگ نموده بود و با شکل‌گیری اولین دولت ایرانی در قرن چهارم هجری (آل بویه) احیاء ارزش‌های معنوی و اخلاقی چون آزادی مذهب،

چکیده

در تاریخ شهرسازی ایران، شهر به عنوان تجلی‌گاه کالبدی نیازهای انسانی و عرصه همایش نیروهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اقلیمی، تا قرن‌ها به تبعیت از تحولات بطنی زندگی انسانی و ایستایی و سکون نسبی در همه شئون زندگی اجتماعی، این فرصت طولانی را در اختیار داشت که با تنش‌ها و ناملایمات و تعارض‌ها روبرو شده و راه‌های سازگاری، تطابق و تفوق بر آنها را بیابد و به این ترتیب یکپارچگی بی‌نظیری را علیرغم تفاوت‌های بارز عناصر شهری به رخ بکشد. شهر ایرانی در مسیر این تکامل و تعامل تدریجی، ضمن آنکه به برخی از شاخصه‌های خود پیش از تجلی معنویت اسلامی وفادار ماند، به زیباترین صورت ممکن، همچون آینه‌ای حقیقت بینش اسلامی را در خود متجلی ساخت. ردپای مرموزی از یک جوهره الهی در جای جای فضاهای شهرهای تاریخی ایران قابل لمس و مشاهده

گذاری بیشتر در این زمینه می‌تواند جایگاه سازمانهای پژوهشی و آموزشی را در رشد و گسترش علمی ایران و توسعه آن نشان دهد.

ویژگی چهارچوب پژوهش و پایان نامه

این پایان نامه بر پایه اطلاعات و داده‌های باستان‌شناسی نوشته شده و در واقع لوح فشرده‌ای از این اطلاعات است، پایه اصلی این پایان نامه کاوش‌ها و مطالعات میدانی است که نگارنده به مدت پنج فصل انجام داده است، از این روی اطلاعات جدید بدست آمده از بررسی‌ها و کاوشهای باستان‌شناسی چهارچوب اصلی پایان نامه را تشکیل می‌دهد. با توجه به فعالیتهای بررسی و کاوش نگارنده در حوزه دشت گرگان این پایان نامه در بر گیرنده بررسی و تحقیقات بخش مرکزی حوزه دشت گرگان است. از طرفی دیگر در این رساله اطلاعات و داده‌های تصویری و اسناد تاریخی و گاهنگاری فرهنگی این حوزه گردآوری و معرفی شده است. از دیگر ویژگی این رساله به غیر از جنبه پژوهشی جنبه آموزشی آن بوده است؛ چرا که تعداد زیادی دانشجوی باستان‌شناسی از دانشگاههای سراسر ایران در کاوشهای جرجان و شرکت داشته و با انجام کاوش‌های علمی، شیوه‌ها و روش پژوهش‌های میدانی، ثبت و ضبط اطلاعات و گزارش نویسی را آموزش دیده، به گونه‌ای که هر یک از این همکاران در آینده می‌توانند خود به تنهایی عهده دار کاوشهای باستان‌شناسی گردند.

۱-۲-۱-۱ پرسش‌ها، فرضیه‌ها و نتیجه‌گیری

همانگونه که قبلاً بیان گردید چون مطالعات میدانی نگارنده شامل کاوشهای باستان‌شناسی محوطه جرجان، بررسی و شناسایی شهرستان گنبد کاووس بوده است، داده‌های این محوطه‌ها به عنوان نمونه‌های گزینش شده پررنگ تر و با جزئیات بیشتر طرح گردیده‌اند.

همچنین اطلاعات و داده‌های تولید شده به عنوان نمونه بر کل حوزه فرهنگی دشت گرگان تعمیم و گسترش داده شده است، که با مطالعات تطبیقی و گاهنگاری و تسلسل فرهنگی این حوزه تبیین و بازنمایی شده است. برای حوزه فرهنگی دشت گرگان بر پایه داده‌های باستان‌شناسی و تاریخی فرضیه‌ها و پرسش‌های زیر پیش بینی شده که با بررسی و تحلیل‌های انجام شده کوشش گردید این پرسشها و فرضیه‌ها آزمون شوند و با مدارک تصویری و ارائه نمونه‌ها

آزادی اندیشه و رجوع به مفاهیم برادری و برابری موجب تحولی عظیم در شهرسازی ایران گردید. در این عصر است که شهرهای بزرگی چون سیراف، ری، اصفهان، جرجان، نیشابور، طوس، شیراز... نامشان در تاریخ ثبت می‌شود و از دیدگاه زندگی شهری با بغداد و دیگر شهرهای بزرگ بین‌النهرین به رقابت می‌پردازند. نکته مهم در این دوران این است که مجموعه محلات شهری بدون هیچ برتری قومی، مذهبی، نژادی و... بر اطراف مجموعه مرکزی و بازار گسترده می‌شوند. امری که به عنوان یک استثناء چه در دوران قبل و چه در دوران بعد مطرح می‌گردد. در قرون میانه اسلامی شهرسازی و شهرنشینی در زمان سلجوقیان وارد مرحله جدیدی شده و اهمیت ویژه‌ای یافت. در این زمان در کنار آرامش سیاسی و رونق اقتصادی، شاهد شکوفایی هنر ایرانی به شکل معماری ساختمان‌ها و بناها هستیم. در این دوره شهرهایی مانند اصفهان، ری و نیشابور و جرجان به آبادانی و عظمت رسیدند احداث شهرهای جدید و یا نوسازی آنها در این دوره یکی از وظایف دولت شناخت می‌شد. با بررسی نحوه شکل‌گیری و تکامل شهرها و تأثیر انواع عوامل طبیعی و زیست محیطی بر این روند، دخالت عناصر طبیعی را از جمله مهمترین عوامل در این مهم می‌توان برشمرد. آب اولین عامل پایبند بشر به زمین جهت رفع نیازهای ابتدایی و اساسی او می‌باشد. از این جهت از دیرباز همواره نطفه‌های اولیه شهرها را رودها تشکیل داده‌اند. این شریانهای حیاتی، نبض چگونگی شکل‌گیری، قرارگیری و نحوه ارتباط فضاها را با یکدیگر و در نتیجه، بافت و سیمای شهر را در اختیار دارند.

پژوهش این پایان نامه کوششی است تا با هدف و نگرش شناخت سرزمین، حوزه فرهنگی دشت گرگان که یکی از مهم ترین جایگاههای فرهنگی و تمدنی تاریخ سرزمین ایران است و جرجان به عنوان یکی از مهمترین و بزرگترین محوطه تاریخی - فرهنگی این حوزه به شمار می‌رود که به مطالعه زیرساختهای طبیعی و فرهنگی در شکل‌گیری و توسعه معماری و شهرسازی در این شهر پرداخته می‌شود. این پژوهش حاصل دست کم پنج سال کار میدانی و کتابخانه‌ای توأم است که از سال ۱۳۸۰ آغاز شده است. روشن است که این کوشش تنها در چارچوب وظایف میراث فرهنگی و پشتیبانی مالی و معنوی مسئولین سازمان امکان پذیر بوده است و همکاری و پشتیبانی دانشگاه تربیت مدرس، با پذیرش پایان نامه‌های بنیادی از این دست فصل نوینی از چشم‌انداز آینده پژوهش کاربردی و مؤثر را گشوده است، سرمایه

تبيين، تحليل و نتيجه گيري به عمل آيد. حوزه فرهنگي دشت گرگان به عنوان گذرگاه فرهنگي بين شرق و غرب داراي ويژگي ميان فرهنگي بوده است. بازتاب اين ويژگي در مواد فرهنگي و يافته‌هاي باستانشناسي ديده مي‌شود.

حوزه فرهنگي دشت گرگان با داشتن روابط فرهنگي با برون و سرزمين‌هاي دور با جهان فرهنگي و تمدني هم زمان خود همواره در ارتباط بوده و اين ويژگي قابل بازيابي در ويژگيهاي فرهنگي اين حوزه مي‌باشد.

تداوم و پيوستگي ويژگي هنري و فرهنگي از کهن ترين دوره‌ها و لايه‌هاي فرهنگي تا دوران اسلامي و نيز در گستره جغرافيايي و مكاني اين حوزه قابل پي گيري است، و نشان دهنده آن است كه ساكنين اين حوزه فرهنگي با پيگيري سنتهاي پيشينيان و تداوم آن پيوستگي معنوي و فرهنگي و مادي با ريشه‌هاي اين حوزه داشته‌اند، كه زمينه آن پاسخگويي مناسب به نيازها و بهره وري از توان مادي و معنوي و منابع اين حوزه بوده است؛ تنها عوامل سياسي باعث شده است در سده‌ها اخير اين توان و پيوستگي فرهنگي و زيستي فراموش شود.

با جمع‌آوري داده‌ها و اطلاعات باستانشناسي از چگونگي پراكندگي جمعيتي و محوطه‌ها تاريخي در بخش مركزي، و ويژگيهاي مناسب جغرافيايي از نظر آب وهوا جرجان را مي‌توان همواره در طول تاريخ مركز و قطب اصلي اين حوزه فرهنگي به شمار آورد.

جمع‌آوري مدارك و اسناد نوشتاري

متون و نوشته‌هاي تاريخي، جغرافيايي و ادبي از مهمترين و اساسي‌ترين ابزار و منابع دست اول در پژوهش‌هاي باستان شناسي به شمار مي‌آيد كه متأسفانه در پژوهش‌هاي باستان شناسي ايران چندان از آن‌ها بهره‌برداري نشده و بسياري از آنها ناشناخته باقي مانده‌اند. بررسي و مطالعه اين مدارك به عنوان مكمل در درك ميراث فرهنگي و از اهميت بسزايي برخوردار است. اين مهم هنوز در بين بسياري از باستانشناسان كه مطالعات باستانشناسي را صرفاً بر آثار و اشياء به دست آمده از كاوشهاي باستان شناسي محدود کرده‌اند، جايگاه خود را پيدا نكرده است. از سوي ديگر در دو سده گذشته و مطالعات باستانشناسي بيگانگان در ايران و ساير نقاط جهان همگي بر پايه استفاده از متون و مدارك تاريخي و جغرافيايي و كتب مذهبي و ادبي بوده است كه

نشان از اهميت مدارك فوق در مطالعات باستان شناسي دارد. بسياري از باستانشناسان خارجي بر اساس اين منابع پروژه‌هاي پژوهشي خود را برنامه‌ريزي کرده و كاوشهاي باستانشناسي را انجام داده‌اند.

جامع‌ترين آنها بررسي‌هاي متون تاريخي و جغرافيايي توسط لسترنيچ است كه يكي از منابع اوليه باستان شناسان جهان براي مطالعات سرزمين‌هاي شرقي است.

از نمونه اين بهره‌برداري از منابع تاريخي و جغرافيايي مي‌توان به مطالعات باستانشناسي اريك اشमित اشاره كرد. وي با بهره‌برداري از مدارك نوشتاري به ويژه متون اسلامي برنامه پرواز و عكسبرداري هوايي از شهرهاي ايران را انجام داده است. او با اين برنامه موفق به شناسايي شهرهاي گمشده كه در متون از آنها نام برده شده، گرديده و سپس محوطه‌هايي مانند شهري، استخر، كاخ و شهر ساساني دامغان را مورد كاوش قرار داد. همچنين از ديگر مطالعات باستانشناسي بر پايه متون مي‌توان به كاوشهاي باستانشناسي فرانسويان در شوش، اشتاين در جنوب شرقي ايران و يلكينسون^۱ و بليه^۲ در نيشابور، دكتور شهريار عدل در ري و شيلا بلر^۳ و ديگران اشاره كرد.

منابع جغرافيايي و تاريخي و ادبي سرشار از اطلاعات گرانبها از شهرها و محوطه‌هاي گمشده، بافت شهرها، منابع، محيط زيست، تغييرات جغرافيايي و اجتماعي و جامعه شناسي است كه رجوع به اين مدارك و سنتهاي شفاهي مكمل مطالعات باستان شناسي ميداني است و تحليل منطقي و باستان شناختي اين داده‌ها به عنوان ابزاري براي تكميل و درك و شناخت آثار به دست آمده از كاوشها خواهد بود، و با بكارگيري آنها به شناخت بهتر ساختار فرهنگي و بازنمايي گذشته دست خواهيم يافت. از روي تحليل و استنتاج از متون به ويژه متون دوره اسلامي مي‌توان رديپاي گذشته و حتي مدارك باستان شناسي پيش از اسلام را نيز در آنها پيگيري و در مورد آنها داوري كرد. با مطالعات صحيح و شناسايي و تجزيه و تحليل دو سويه از آثار به دست آمده از كاوشهاي ميداني و نيز تأييد يا رد مدارك نوشتاري به جا مانده با مقايسه و تحليل مواد فرهنگي آن را اثبات، تبين و تغيير كرد. از اين روي پايه مطالعات باستان شناسي حوزه فرهنگي بر مدارك و داده‌هاي نوشتاري است.

1. Wilkinson
2. Bulliet
3. Belair

اسناد و اطلاعات و داده‌های نوشتاری برای پژوهش و مطالعه حوزه دشت گرگان را می‌توان در چهارچوب زیر طبقه‌بندی کرد.

اطلاعات و مدارک نوشتاری: شامل کتیبه‌ها، منابع، روابط سیاسی - بازرگانی - تاریخی، وضعیت جغرافیایی.

اطلاعات و داده‌های کتیبه‌های ایران باستان: کتیبه بیستون، نقش برجسته‌های تخت جمشید، کتیبه خشایارشا در تخت جمشید، کتیبه ساسانی نقش رجب: پوشاک، داد و ستد و بازرگانی.

اطلاعات مورخین و مسافرن دوران تاریخی: چون هرودوت و گزنفون کتزیاس و مورخینی چون آریان، استرابون و پلوتارک آن را باز نوشته‌اند. از این مدارک داده‌های بسیاری چون تقسیم بندی جغرافیایی، وضعیت جغرافیایی، آب و هوا، زیستگاه‌ها، نیاشگاه‌ها و آرامگاه‌ها به دست می‌دهد.

متون و مدارک دوران اسلامی تاریخ نگاران و جغرافی نگاران سده‌های نخستین، میانی و متأخر که عمده‌ترین آنها اصطخری، مسعودی، خردادیه، ابن حوقل، مقدسی و یاقوت حموی و حمداله مستوفی است که بعضی خود شخصاً از منطقه بازدید کرده‌اند، بعضی از آنان از متون دیگران نقل به مضمون کرده‌اند که شواهد و مدارک باستانشناسی بسیاری از این نوشته‌ها را آزمون و تأیید کرده است.

از این نوشته‌ها بسیاری از نام شهرهای گمشده، قلعه‌ها راه‌های باستانی، وضعیت آب و هوایی، کوه‌ها و رودها، و معادن وضعیت زیست و معیشت و زیست محیط، بافت شهرها، دروازه‌ها، وجود مساجد، مدارس، خانه‌ها، آبیاری و کشت زرع و نیز روابط بازرگانی - اوضاع تاریخی، گونه‌های معماری آنان و نیز عوامل نابودی این مراکز و شهرها شناسایی می‌شود. و از مدارک درجه اول مهم پژوهش این حوزه به شمار می‌آید که کاوشهای باستانشناسی به ویژه در محوطه شهر تاریخی جرجان آن را تأیید کرده است.

سفرنامه‌های سیاحان اروپایی که با انگیزه‌های گوناگون صورت گرفته و در زمینه‌های گوناگون می‌توان اطلاعات سودمندی به دست آورد. مهمترین این سفرنامه‌ها، به سفرنامه‌های پیترو دلاواله، شاردن - رابینو می‌توان اشاره کرد که اطلاعات تاریخی باستانشناسی و مردم شناسی و جغرافیایی مفیدی را فراهم آورده است.

سفرنامه شخصیت‌های فرهنگی چون منوچهر ستوده که به عنوان مورخ در ثبت ویژگیهای منطقه چون محوطه‌ها و بناهای تاریخی، مطالعات مردم شناسی، اهتمام داشته و

مطالعات ایشان با تحلیل‌های تاریخی و اقتصادی همراه است.

پیشینه پژوهش‌های باستان‌شناسی

مطالعات و پژوهش‌های میدانی باستان‌شناسی در این حوزه جغرافیایی و گستره آن در بیرون مرزهای کنونی ایران است که از آغاز در سده بیستم و سالهای نخستین سده بیست و یکم انجام شده است. دشت گرگان در ساحل جنوب شرقی دریای خزر، یکی از مراکز مهم فرهنگی است که میراث غنی از ادوار پیش از تاریخ تا ادوار اسلامی را دارا است. بیش از یکصد سال پیش مطالعات باستانشناسی آن آغاز شده و این منطقه همیشه مورد توجه باستانشناسان بوده و هست شاید سابقه مطالعات باستانشناسی این منطقه به دوپرد به سال ۱۲۶۳ خورشیدی برسد که ایشان گنجینه استرآباد را بررسی کرده است (واندنبرگ ۱۳۴۸) بعد از آن ژاک دمرگان فرانسوی در سال ۱۲۷۵ خورشیدی گمانه زنی در خرگوش تپه در نزدیکی شهر گرگان را شروع کرد (واندنبرگ، ۱۳۴۸) و همزمان با کاوش، از ۴۵ مکان باستانی بازدید بعمل آورده و موقعیت مکانی محلهای باستانی را به طور تقریبی در نقشه‌ای ترسیم می‌کند (Arne, 1945) و (دمرگان، ۱۳۳۸).

در سال ۱۳۱۰ خورشیدی نخستین فصل کاوش در تورنگ تپه توسط ولیسن انجام شد و دو سال بعد از ایشان یعنی در سال ۱۳۱۲ خورشید بررسی پیمایشی باستانشناسی بخشی از استان گلستان امروزی توسط آرن سرپرست سوئدی، صورت گرفت، ایشان علاوه بر کاوش در شاه تپه حدود ۳۰۰ مکان باستانی را شناسایی نمود. و در واقع اساس مطالعات باستانشناسی دشت گرگان را می‌توان در مراحل بعدی مدیون گزارش ایشان دانست که اولین بار نحوه استقرار منطقه را تا حدودی تشریح کرد، (Arne, 1945) بر اساس نقشه آرن در سال ۱۳۱۶ خورشیدی اریک اشمیت بر دشت گرگان پرواز نموده و محدوده پرواز ایشان بیشتر بر روی دیوار گرگان (دیوار اسکندر، سد نوشیروان، سد فیروز) و چند محوطه از جمله تورنگ تپه بوده که از آنها عکس هوایی گرفت. (اشمیت ۱۳۷۶) و به سال ۱۳۳۸ خورشیدی ژان دهه تورنگ تپه را بازدید نمود و دو سال بعد، حفاری در آن شروع و تا سال ۱۳۵۷ خورشیدی تقریباً به مدت ۱۳ فصل کاوش باستانشناسی را در این محوطه را سرپرستی نمود.

(Bouchari at & Lecomte, 1981) در سال ۱۳۳۹

خورشیدی حفاری یاریم تپه توسط دیوید استروناخ شروع و در سال ۱۳۴۱ خورشیدی به پایان رسید. (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۸)

در سال ۱۳۴۲ خورشیدی مک بورنی استاد دانشگاه کمبریج انگلستان در بررسی خود از شهرستان بابل تا مشهد، طی یک گزارش مقدماتی از دو غار باستانی در این منطقه گزارش داد و در غار کیارام (۱) گمانه زنی و غار کیارام (۲) را فقط بررسی نمود. (Mcburny, 1964) در سال ۱۳۴۳ خورشیدی دیوید بیواروگزا فهواری بررسی و گمانه زنی شهر ودیوارتمیشه را انجام داده‌اند که آثاری از دوره ساسانی تا اواسط دوران اسلامی بدست آمد. (Bivar & Fehrevari, 1966) در تابستان ۱۳۴۵ خورشیدی بررسی مکانهای باستانی دشت گرگان توسط دانشجویان رشته باستانشناسی دانشگاه تهران با همکاری اداره کل باستانشناسی انجام شد. در این بررسی ۲۲ مکان باستانی بررسی شد و همه آنها در فهرست آثار ملی ثبت گردید. (افسر، مولوی، بی تا) در دهه ۱۳۵۰ خورشیدی دکتر محمد یوسف کیانی همزمان با کاوش باستانشناسی در شهر جرجان بررسی باستانشناسی از چهار جهت شهرستان گنبد کاووس تا شعاع ۵۰ کیلومتر در برنامه خود جای داد، وی شروع مطالعات خود را با پرواز هوایی و مطالعات عکس هوایی و نقشه ۱:۲۰۰۰ در منطقه آغاز کرد و در نتیجه ۳۲ قلعه باستانی، علاوه بر دیوار دفاعی گرگان را شناسایی نمود و در قلعه ۱۳-۱۲ دیوار کاوش انجام داد. (Kiani, 1982) و (کیانی ۱۳۵۴-۱۳۶۵) هیأت باستانشناسی جرجان قصد داشت در دراز مدت بررسی پیمایشی در منطقه انجام دهد که به دلایل نامعلوم کار آن متوقف ماند، البته این گروه بیشتر در بررسی خود آثار برجسته و شاخص قلعه و تپه را مطالعه نمود.

همزمان با هیأت ایرانی در شهر جرجان هیأتی ژاپنی به سرپرستی پرفسور شیومی از دانشگاه هیروشیما در دشت گرگان فعالیت داشت. هیأت ژاپنی به منظور تهیه نقشه باستانشناسی دشت گرگان بررسی خود را در سال ۱۳۵۳ خورشیدی آغاز و در همین سال ۱۲۲ مکان باستانی را شناسایی و در دو تپه بنامهای انجیر آب و گل باغ گمانه زنی نمودند (Shiomi, 1976) و سپس ادامه مطالعات خود را در سال ۱۳۵۵ پیگیری نمود و ۱۲۲ مکان باستانی دیگر را شناسایی کردند و در تپه حسین آباد گمانه زنی نمودند (Shiomi, 1976) این هیئت قصد داشت در طول چهار فصل محدوده بررسی خود را به اتمام برساند و نقشه باستانشناسی دشت گرگان را تدوین کند که بعد از تحولات انقلاب اسلامی برنامه ژاپنی‌ها تعطیل شد. در زمستان ۱۳۵۶ خورشیدی آقای رجبعلی لباف خانیکی از مرکز باستان شناسی

وقت، حوضه اترک رود را بررسی نمود و ۴۷ مکان باستانی در این حوضه شناسایی کرد. (لباف خانیکی، ۱۳۵۶) در دهه ۱۳۶۰ خورشیدی دکتر منوچهر ستوده بررسی‌هایی را در منطقه انجام داد و به معرفی محوطه‌های شاخص منطقه پرداخت و نتیجه کارش در کتاب وزین از آستارا تا استرآباد چاپ شد (ستوده، ۱۳۷۸) اهمیت کار استاد ستوده علاوه بر بازدید از مکانها و ارائه نظریات خودش به جمع‌آوری منابع مطالعاتی هر مکان پرداخته است که در نوع خود بی نظیر است، بطوریکه همه اطلاعات بصورت یکجا در اختیار دیگر پژوهشگران قرار گیرد. شادروان موسی درویش روحانی در سال ۱۳۶۴ خورشیدی در قسمتهایی از محدوده شهرستانهای کردکوی، گرگان، آق قلا، علی آباد کتول ۴۱ محوطه باستانی را مورد بررسی قرار داد. (روحانی، ۱۳۶۴)

در زمستان ۱۳۶۷ خورشیدی بررسی و شناسایی مکان های باستانی شهرستان گنبد کاووس توسط آقای محمد جعفر نیکخواه از کارشناسان میراث فرهنگی مازندران در حدفاصل اترک رود و گرگان رود در محدوده جغرافیایی جاده گنبد کاووس - داشلی برون و شرق روستای قمرقره قوزی به روستای آقچی انجام شد (نیکخواه، ۱۳۶۷)

آخرین کار بررسی باستان شناسی تا پیش از تشکیل استان جدید گلستان در سال ۱۳۷۳ خورشیدی در جاده جنوبی گلوگاه - گرگان توسط آقای یزدان نورانی از کارشناسان باستانشناسی استان مازندران بود که از ۴۸ مکان باستانی گزارش داد. البته ایشان در سال ۱۳۷۶ خورشیدی سرپرستی اولین مرحله ساماندهی شهر جرجان را نیز به عهده داشت و قبل از نامبرده در سال ۱۳۶۱ خورشیدی بررسی مقدماتی شهر جرجان به منظور تعیین حریم توسط مرحوم مهریار و همکاران انجام شده بود. (مرحوم مهریار و همکاران، ۱۳۶۱)

اولین بررسی پس از تأیید مدیریت میراث فرهنگی استان گلستان هیأتی به سرپرستی آقای جبرئیل نوکنده در سال ۱۳۷۸ خورشیدی در محدوده سد گلستان انجام گرفت که ۴۲ مکان باستانی شناسایی و اطلاعات اولیه آنها ثبت گردید و در سال ۱۳۷۸ خورشیدی آقای نوکنده در محل تلاقی دیوار گرگان به شبکه آبیاری سد گلستان گمانه زنی نمود و آثاری از بقایای دیوار مشخص شد. (نوکنده، ۱۳۷۹)

در سال ۱۳۷۹ خورشیدی دیوار دفاعی گرگان در طی دو برنامه در محدوده طرح پیشنهادی سد صوفی شیخ و از روستای قره قوزی تا روستای زاو به سرپرستی آقای جبرئیل نوکنده بررسی شد. (نوکنده، ۱۳۷۹)

بعد از ۴۰ سال وقفه در کاوشهای پیش از تاریخ دشت گرگان در نزدیکی گنبد کاووس در پائیز ۱۳۷۹ هیأتی به سرپرستی آقای دکتر صادق ملک شه میرزادی کاوش در آق تپه گنبد کاووس آغاز و به پایان رسید. (ملک شه میرزادی - نوکنده، ۱۳۷۹)

دومین مرحله ساماندهی شهر جرجان در کارگاههای باستانشناسی شماره ۱ و ۲ دکتر کیانی در زمستان ۱۳۷۹ به سرپرستی آقای عمرانی انجام گردید که هدف جلوگیری از تخریب آثار معماری و استحکام بخشی معماری مکشوفه شهر تاریخی جرجان بوده است. (عمرانی، ۱۳۷۹)

در سال ۱۳۸۰ تپه خاکی بندرگز و شهر و دیوار تمیشه کردکوی توسط آقای نوکنده مورد گمانه زنی قرار گرفت (نوکنده و همکاران، ۱۳۸۱) و اولین فصل کاوشهای باستانشناسی بعد از انقلاب در محوطه شهر جرجان توسط نگارنده در سال ۱۳۸۱ آغاز و همچنان ادامه دارد.

تعریف مسأله و بیان سؤالیهای اصلی تحقیق

شهر تاریخی گرگان (جرجان) در بستر دو رودخانه مهم گرگان رود و چهل چای شکل گرفته است. گرگان رود یکی از مهم ترین رودهای استان گلستان می باشد که از کوههای نارچی و بیله کوه با مساحتی حدود ۳۲۵ کیلومتر در حدود ۳۷ کیلومتری شرق کلاله سرچشمه گرفته و پس از سیراب کردن زمینهای دشت گرگان به دریای خزر می ریزد. گرگان رود با آب فراوان و انباشتهای رسوبی گلی ضخیم و تغییر مسیر جریان خود طی هزاره ها از یک سو زندگی ساز بوده و از سوی دیگر با طغیانها و تغییر آبراهه عامل از بین رفتن زیست بوم تمدنها بوده است.

در دو کناره این رودخانه از هزاران سال پیش زیستگاههایی از دوران مس و سنگ آغاز شهر نشینی و تمدنهای شکوفای دوران تاریخی و اسلامی شکل گرفته است. بیش از صدها محوطه و تپه باستانی وجود دارد که تنها بخش اندکی از آنها شناسایی شده است. داده ها و یافته های باستانشناسی در این منطقه نشانگر آن است که نخستین زیستگاهها پس از گذر از دوران مس و سنگ و ورود به مرحله شهرنشینی و مفرغ به شکل یکی از حوزه های فرهنگی در شمال شرق ایران از مناطق مهم فرهنگی ایران بسان خوزستان یا از دیدگاهی مهمتر از آن می باشد. این رودخانه نقش بسیار مهمی در شکل گیری شهر تاریخی جرجان دارد. مطالعات باستانشناسی نشان می دهد که این منطقه تمامی

شرایط لازم جهت تداوم فرهنگی را تا دوران اسلامی داشته است.

کشف سفالینه های مربوط به هزاره پنجم قبل از میلاد و عصر آهن در محلی بنام حبیب لی در محدوده عرصه شهر تاریخی جرجان و در حاشیه رودخانه گرگان رود شاهدهی بر این مدعی می باشد. این شهر در دوران اسلامی از یک هسته اولیه تشکیل شده که مساحت تقریبی آن در حدود ۲۰۰ هکتار می باشد و برگرد این هسته اولیه حصار و وجود دارد. شهر در اوج شکوفایی و عظمت خود در دوره سلجوقی گسترش یافته و وسعت آن به حدود ۱۲۰۰ هکتار میرسد. این شهر به استناد مطالعات باستان شناسی از قرون اولیه اسلامی تا دوره سلجوقی مسکون بوده و در اثر حمله مغول و زلزله بعد از آن ویران گردیده است. این شهر در قرون اولیه اسلامی با شهرهای مهمی مانند ری، نیشابور، مرو، طوس، روابط نزدیک فرهنگی و تجاری داشته و از مراکز مهم ساخت ظروف زرین فام و شیشه ای به شمار می رود. مهمترین نکات و مسائل اصلی پژوهش را می توان به صورت پرسشی زیر بیان کرد:

تسلسل فرهنگی در گرگان (جرجان) از چه دوره ای آغاز و در چه دوره ای به پایان رسیده است؟
تأثیر ویژگی های زیست محیطی و ژئومورفولوژی در پیش از دوره اسلامی گرگان (جرجان) برای تبدیل آن به یک شهر دوره اسلامی در چه حدی بوده است؟
روابط فرهنگی و بازرگانی شهر گرگان (جرجان) با سایر مراکز تمدنی همزمان آن چگونه بوده است؟
ویژگیهای معماری و شهرسازی گرگان (جرجان) در دوران اسلامی چه بوده و ارتباط آن با مراکز مهم همزمان آن چگونه است؟

فرضیه های تحقیق

۱. تسلسل فرهنگی در گرگان (جرجان) از هزاره پنجم قبل از میلاد تا پایان دوره سلجوقی بوده است.
۲. ویژگیهای زیست محیطی و ژئومورفولوژی نقش بسیار مهم در انتخاب این مکان جهت ایجاد شهر داشته است.
۳. مطالعات و یافته های باستانشناسی نشان میدهد که گرگان (جرجان) یکی از مهمترین مراکز ساخت ظروف زرین فام بوده که همسانی های فنی و هنری با دیگر مراکز ساخت سفال زرین فام چون کاشان و ری داشته است.
۴. معماری و شهرسازی گرگان (جرجان) تحت تأثیر معماری و شهرسازی قبل از شکل گیری و تأثیرگذار بر

معماری و شهرسازی بعد از خود بوده است. و همسانی با نیشابور، شهر دقیانوس و طوس و ری داشته است.

سابقه و ضرورت انجام تحقیق

شهر تاریخی گرگان (جرجان) به عنوان یکی از شهرهای معتبر و بزرگ قرون میانه اسلامی از جهات مختلف مطالعاتی و پژوهشی دارای اهمیت بسیار در روند مطالعات فرهنگی و تمدنی دوران اسلامی بویژه ایران است. در بیشتر منابع اسلامی همزمان و یا بعد از حیات شهر به اعتبار، اهمیت و جایگاه شهر و آثار آن اشاره شده است. و بقایای موجود آن همواره جاذبه‌های مطالعاتی بسیاری برای محققان باستان‌شناسی، تاریخ و هنر داشته است. بدین لحاظ و قبل از انقلاب طی سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۰ کاوشهای مستمر و گسترده‌ای توسط آقای دکتر محمد یوسف کیانی انجام و نتایج تاریخی و باستان‌شناسی مفیدی مخصوصاً در حوزه‌های هنر سفالگری و معماری اسلامی بدست آمد. با توجه به تعطیلی حفريات باستان‌شناسی در اوایل انقلاب و شرایط مناسبی که در سالهای اخیر بوجود آمده است و به دلیل وسعت و اهمیت شهر و جایگاه آن در روند مطالعات باستان‌شناسی دوران اسلامی مخصوصاً منطقه جنوب شرق دریای خزر، و اینکه کاوشهای قبل از انقلاب نسبت به وسعت ۱۲۰۰ هکتاری شهر در مقیاس بسیاری محدودی انجام گردیده، کاوشهای بعد از انقلاب در این محوطه از سال ۱۳۸۰ آغاز و طی پنج فصل در این محوطه اطلاعات بسیار مهمی در زمینه معماری و شهرسازی و کارگاههای صنعتی از جمله سفالگری و شیشه‌گری قرون اولیه اسلامی بدست آمد که در کاوشهای گذشته بدست نیامده است. این کاوشها نوید بخش کشف اطلاعات بسیار مهمی در مطالعات هنر و باستان‌شناسی ایران اسلامی است.

اهداف تحقیق

۱. سیستم معماری و شهرسازی گرگان (جرجان) در دوره‌های مختلف اسلامی از زمان شکل‌گیری تا زمان افول چگونه است؟
۲. مطالعه تأثیر پذیری و تأثیرگذاری معماری و شهرسازی گرگان (جرجان) بر شهرهای هم‌دوره و بعد از خود چگونه است؟
۳. مطالعه عوامل تأثیرگذار در انتخاب این مکان جهت ایجاد شهر.

۴. مطالعه بافتهای شهری از جمله مراکز صنعتی و تجاری، بافتهای مسکونی، سیستم آبرسانی و دفع آبهای سطحی، معابر شهری، مراکز آموزشی و خدماتی

چه کاربردهایی از انجام این تحقیق متصور است

با توجه به کمبود اطلاعات ما درباره روند شکل‌گیری و تحول شهرهای قرون اولیه اسلامی در ایران به علت کمبود منابع و پژوهش‌های باستان‌شناسی بخصوص درباره بافتهای مسکونی معابر شهری، واحدهای تجاری و صنعتی، مراکز آموزشی و خدماتی، سیستم آبرسانی و دفع آبهای سطحی، کاوشهای باستان‌شناسی در محوطه تاریخی جرجان می‌تواند تا حدودی به سؤالات ما درباره سیستم شهرسازی و معماریش پاسخ دهد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی (حاصل سخن)

همان‌گونه که در ابتدای آمد فرضیه‌ها و پرسشهای این پایان‌نامه به شرح زیر است:

- تسلسل فرهنگی در گرگان (جرجان) از دوره پیش از تاریخ تا دوران اسلامی قابل پی‌گیری است.
- ویژگیهای زیست محیطی و ژئومورفولوژی نقش بسیار مهم در انتخاب این مکان جهت ایجاد استقرار داشته است.
- مطالعات و یافته‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که گرگان (جرجان) یکی از مهمترین مراکز ساخت ظروف زرین فام بوده که همسانی‌های فنی و هنری با دیگر مراکز ساخت سفال زرین فام چون کاشان و ری داشته است.
- معماری و شهرسازی گرگان (جرجان) تحت تأثیر معماری و شهرسازی قبل از شکل‌گیری و تأثیرگذار بر معماری و شهرسازی بعد از خود بوده است. و همسانی با محوطه‌هایی مانند نیشابور، ری، طوس و شهر دقیانوس جیرفت داشته است.

در پایان کوشش می‌شود چکیده آنچه با داده‌ها و مدارک نوشتاری و مواد فرهنگی شرح و تفصیل در پایان‌نامه آمده است با روش نمونه‌ای و مثالی به عنوان داده‌ها مدارک تحقیق فرضیه‌ها و پرسشهای یاد شده، آزموده شود.

تسلسل فرهنگی در گرگان (جرجان) از دوره پیش از تاریخ تا دوران اسلامی قابل پی‌گیری است.

به خوبی و به آسانی در داده‌ها و مواد فرهنگی باستان

شناسی و نیز مدارک تاریخی پیوستگی و تداوم قابل شناسایی و ردیابی است، گوشه‌ای از آنها با چند نمونه نشان داده می‌شود که نشان از آگاهی در بهره‌وری انسان برای رفع نیازها از منابع و محیط زیست خود بوده است و جامعه‌ای خود گردان و خود بسنده را نمایان می‌سازد.

وجود پیکرک‌های حیوانی مکشوفه از محوطه جرجان که مربوط به هزاره پنجم پ.م است، و نمونه‌های مشابه آن از لایه‌های بالاتر مربوط به هزاره سوم پ.م این تداوم را نشان می‌دهد.

الگوهای طرح و نقشه معماری با اطاق‌های مستطیل دراز همجوار که به گذرگاه یا حیاط راه دارد با انبارهایی در پشت اطاقها که نمونه‌های آن از هزاره سوم در محوطه یاریم تپه تا دوره اسلامی همین نقشه در شهر قدیم گرگان (جرجان) ادامه داشته است که پاسخگویی مناسب به اقلیم این منطقه بوده است و نیز کاربرد تنبوشه‌های آب رسانی و دفع فاضلاب که نمونه‌های آن در محوطه یاریم و شاه تپه بدست آمده است در شهرسازی دوره اسلامی نیز کاربرد داشته است.

کاربرد پی آجری در بناها که پاسخگویی به وضعیت اقلیم برای جلوگیری از نفوذ رطوبت ناشی از نزولات جوی است. از هزاره دوم پ.م در محوطه یاریم تپه دیده شده است در دوره اسلامی نیز این سنت معماری در شهر تاریخی گرگان (جرجان) تداوم داشته است.

وجود ظروف لوله‌دار از دوره عصر آهن در منطقه گرگان (جرجان) و تداوم آن در دوره اسلامی این محوطه.

نقش مایه‌های ظروف سفالی هزاره پنجم مکشوفه از محوطه گرگان (جرجان) و ترکیب بندی آنها بر روی ظروف سفالین قالبی دوره اسلامی گرگان (جرجان) تداوم یافته است چه از لحاظ گزینش رنگ و گاهی نقشمایه‌هایی چون بز کوهی و خطوط هندسی.

ویژگی های زیست محیطی و ژئومورفولوژی نقش بسیار مهم در انتخاب این مکان جهت ایجاد استقرار داشته است.

این حوزه همواره از پیش از تاریخ و دوران شهرنشینی و دوران تاریخی و اسلامی گذرگاه و چهارراه ارتباطی داد و ستد از راه زمین و دریا بوده است که در متون دوره آکاد، متون دوره یونان و اسلامی به آن اشاره شده است.

مدارک و یافته‌های بسیاری از پژوهش‌های میدانی منطقه بدست آمده است که با بررسی و پژوهش‌های تطبیقی و

همنگاری با سرزمین‌های همجوار نزدیک و دور، تعامل و داد و ستدهای فرهنگی این حوزه را با مناطق و فرهنگهای دیگر نشان می‌دهد.

همسانی در نقشمایه‌های سفالینه مکشوفه از جرجان از هزاره پنجم تا هزاره سوم پیش از میلاد با دیگر محوطه‌های باستانی هم زمان خود در فلات مرکزی دیده می‌شود. این سفالینه‌ها با سفالینه‌های هزاره پنجم محوطه اسماعیل آباد، تپه شغالی، چشمه علی، خوریان، زاغه، سنگ چخماق، سیلک شمالی، قره تپه شهریار، قمرود، ازبکی همسانی و همنگاری دارد.

در اواخر دوره پارینه سنگی جدید و به ویژه از دوران فراپارینه سنگی، استقرارهای کوچک مرحله گردآوری خوراک در فلات مرکزی ایران بسر می‌بردند. یکی از این مناطق که از دشت قزوین شروع می‌شد و ادامه آن تا ساوجبلاغ و بادیزن آبرفتی ورامین واقع در جنوب تهران کشیده شده بود. تکوین و تطور مرحله شکل‌گیری، که در نهایت منجر به استقرار کامل و دایم در روستاها و تولید غذا گردیده ابتدا توسط یک یا چند استقرار نزدیک به هم از مجموعه همین استقرارها صورت گرفت.

به تدریج مرحله شکل‌گیری، توسعه و گسترش یافت تا تقریباً تمام قسمت‌های طبیعی متحد منطقه را تحت نفوذ خود قرار داد. حرکت این فرهنگ در راستای دامنه کوهپایه‌ها از شمال و شمال شرق تا دشت گرگان و ماورای آن ادامه یافت. بر اساس اطلاعات موجود علایم این حرکت فرهنگی را در جهت جنوب و جنوب شرق تا سیلک کاشان می‌توان ردیابی کرد. پس از اینکه مرحله شکل‌گیری مرحله بلوغ را طی کرد مرحله استقرار کامل و دائم در روستاها شکل گرفت. آثار و بقایای مرحله استقرار دائم در روستاها در نقاط بسیاری در فلات مرکزی ایران شناسایی شده‌اند. یکی از شاخص‌ترین محل‌های این دوره، یعنی دوره فلات عتیق در فلات مرکزی ایران تپه زاغه واقع در دشت قزوین است. در زاغه سفالگران به تدریج مراحل تطور تکاملی را طی کرده بطوریکه قبل از اینکه کاملاً تحت نفوذ فرهنگ دوره بعد، یعنی دوره فلات قدیم یا سفال نوع چشمه علی قرار گرفته و صحنه را ترک نمایند ظروف سفالی خود را با بیش از یکصد نوع نقش ساده و یا ترکیبی هندسی با استفاده از محلول گل اخری تزئین می‌کردند. تا قبل از کشف این سفالینه‌ها در جرجان نفوذ فرهنگی این دوره در قسمتهایی از فلات مرکزی ایران که در جنوب رشته کوه البرز واقع شده‌اند تا محل تپه سنگ چخماق

واقع در نزدیکی بسطام در شمال شاهرود شناسایی شده بود. در این محل که آثار آن همزمان با اواخر دوره فلات عتیق هستند، از تنوع نقوش سفال‌ها به مقدار بسیار زیادی کاسته شده بود. ولی علیرغم محدودیت تنوع نقوش از نقطه نظر فنی سفالگری هیچ تفاوتی بین سفالهای این محل با سفالهای تپه زاغه مشاهده نمی‌شود. با وجود کاوش‌هایی که تا قبل از کاوش در جرجان در چهار محل معرف آثار دوره فلات قدیم، یعنی آق تپه، شاه تپه، تورنگ تپه و یاریم تپه واقع در دشت گرگان انجام شده بود و در آنها نمونه‌هایی از سفالهای دوره فلات قدیم (نوع چشمه علی) بدست آمده ولی مطلقاً از حضور فرهنگی دوره فلات عتیق با سفال نوع زاغه گزارش منتشر نشده بود. به این ترتیب بر اساس لایه نگاری مقایسه‌ای اشیاء مکشوفه از هزاره پنجم قبل از میلاد جرجان را می‌توان همزمان با دوره فلات عتیق در گاهنگاری پیش از تاریخ فلات مرکزی ایران تعیین کرد.

در حدود اوایل هزاره اول ق.م شاخه‌ای از گروهی کوچک رو که از استپ‌های مرکزی آسیای مرکزی به سمت غرب مهاجرت کرده بودند در منطقه ساکن شدند. به نظر می‌رسد این گروه جدا شده از گروه اصلی در جرجان ساکن شده بودند و از جرجان به عنوان گورستان استفاده می‌کردند. به دست آمدن نمونه‌هایی از ظروف و قطعات ظروف سفالی مشخصه دوره هخامنشی دلیلی بر استقرار در این دوره نمی‌تواند باشد. ولی از آنجا که هخامنشیان در این دشت پراکنده بودند احتمال اینکه به دست آمدن این تعداد آثار محدود دوره هخامنشی از میان بقایای لایه‌های خاکهای نباتی جرجان را بتوان کاملاً تصادفی تلقی کرد، وجود دارد. لازم به یادآوری است که مادها و هخامنشیان نیز در گذشته از شرق و جنوب غرب ایران مهاجرت کردند که مادها در شمال غرب و غرب ساکن شده و سلسله ماد را تأسیس کردند و هخامنشی‌ها ابتدا به حرکت خود به سمت جنوب ادامه دادند و پس از اینکه به اندازه کافی نیرومند شدند با تسلط بر مادها و براندازی سلسله مادی موفق به تشکیل نخستین امپراطوری در جهان گردیدند. هنگامی که امپراطوری هخامنشی تشکیل شد و بر جهان آن روز از آمودریا و سیر دریا در شمال شرق تا نیل در آفریقا را تحت سیطره خود در آوردند نشانه‌هایی از آنها در تمامی قلمرو آن امپراطوری باقی مانده است. از آنجا که جرجان در مرکز دشت گرگان بزرگ واقع شده است طبیعی است که آثاری از دوره هخامنشی نیز در آن باقی مانده باشد. ولی از دوره ماد کوچکترین نشانه‌ای به دست نیامده.

این امر نیز بسیار طبیعی می‌نماید زیرا قلمرو حکومت مادها هیچگاه در شرق تا این حدود نرسیده بود. در دوران تاریخی در این منطقه آثار و همسانی با قلمرو تاریخی جنوب غرب مرکز فرمانروایی هخامنشی و شمال غرب وجود ظروف گونه ظریف نارنجی صیقل یافته با بدنه زاویه دار دوره آهن غربی از یک سو و از سوی دیگر با آسیای میانه و سرزمین باختر این ارتباط و پیوند را با شبکه جهانی فرهنگی تأیید می‌کند. در دوره اسلامی این حوزه یکی از مراکز مهم گذرگاهی و چهار راه داد و ستد شرق و غرب و سرزمینهای دور و نزدیک بوده است و همسانی ارتباط مواد فرهنگی آن با شرق و شمال شرق (نیشابور) فلات مرکزی (ری و کاشان) و جنوب غربی (شوش) وجود دارد همچنین تأثیر هنری چین در دوره تانگ و سونگ در روی سفالینه‌ها به ویژه در سفالینه‌های سده ۳ و ۴ هجری آن افزون بر آن وجود ظروف چینی و سفالینه ساخت چین که وارداتی بوده‌اند. حضور این حوزه را در شبکه جهانی تا دوران اسلامی با ویژگی و مشخصه میان فرهنگی نشان می‌دهد.

مطالعات و یافته‌های باستانشناسی نشان می‌دهد که گرگان (جرجان) یکی از مهمترین مراکز ساخت ظروف زرین فام بوده که همسانی‌های فنی و هنری با دیگر مراکز ساخت سفال زرین فام چون کاشان و ری داشته است.

مهمترین گروه سفالینه‌های جرجان که فصل تازه‌ای در مطالعات سفال دوره اسلامی در شمال شرق ایران گشوده است سفالینه‌های زرین فام می‌باشد. آمار قابل توجهی از این سفالینه بدست آمده است.

ظروف کامل و تقریباً سالمی بدست آمده است. شکل‌های آن بسیار متنوع از خمچه‌های بزرگ، تنگ، آبخوری دسته دار و کوچک، پیاله کوچک و بشقاب و تکه‌های بسیاری از کاسه‌های ساده و بدنه ترک ترک برجسته قالبی قابل ذکر است. این سفالینه هم به رنگ سفید و قهوه‌ای، زرد، زیتونی و نیز لاجوردی و طلایی دیده شده که مهمترین آن بشقابی است لاجوردی با گلبرگهای درشت طلایی در لبه و بدنه، لعاب این سفال در کوره سوخته و تاول زده است که ساخت محلی بودن آن را مطرح می‌کند. همچنین سه پایه‌های سفالین زیادی بدست آمده که تکه‌ای از لعاب و رنگ زرین فام به آن چسبیده بود. و نیز انجام مطالعات آزمایشگاهی به روش

پیکسی انجام شده بر روی نمونه‌هایی از سفالینه‌های زرین فام بدست آمده از جرجان نشان می‌دهد که این گروه از منشاء متفاوتی از ری و کاشان بوده و ویژگی خمیره آن متفاوت است که می‌توان جرجان را به کارگاه‌های ساخت سفالینه زرین فام افزود، و تاریخ هنر سفالگری ایران را تغییر داد. نقش مایه این سفالینه‌ها خط نوشته‌ها اشعار با روش رنگ بری و لعاب بری به رنگ سفید در زمینه قهوه‌ای و لاجوردی زرین فام است به شیوه کاشان با نقشمایه کبوتر، دوایر زنجیره‌ای عمودی روی بدنه. نقوش اسلیمی عمودی ترک ترک است. و زیباترین آن نقشمایه روی قطعات بدنه بشقاب لاجوردی و چند ظروف سفالین زرین فام با چهره زنان با سربند و نیم تاج. مجلس بزم با ابرق و دف را نشان می‌دهد نقوش دالبری دور ظرف از طرحهای معرفی شده از سوریه است ولی در اینجا با نقشمایه‌های کاملاً سلجوقی - ایرانی آورده شده است که قدیمی تر از نمونه سوریه‌ای است.

معماری و شهرسازی گرگان (جرجان) تحت تأثیر معماری و شهرسازی قبل از شکل‌گیری تأثیر گذار بر معماری و شهرسازی بعد از خود بوده است. و همسانی با محوطه‌هایی مانند نیشابور، ری، طوس، دقیانوس جیرفت داشته است.

شهر، شهرنشینی و شهرسازی از جمله مباحث اساسی و پایه مباحث معماری یک مجموعه را تشکیل می‌دهند. ساماندهی فضا از کوچکترین جزء آن، مسکن، شروع و با کنار هم قرار گرفتن این اجزاء افزوده شدن سایر فضاهای ارتباطی و سرویس دهی، محلات، مناطق و در مقیاس کلان خود شهرها را در بر می‌گیرد.

با بررسی نحوه شکل‌گیری و تکامل شهرها و تأثیر انواع عوامل طبیعی و زیست محیطی بر این روند، دخالت عناصر طبیعی را از جمله مهمترین عوامل در این مهم می‌توان بر شمرد.

آب اولین عامل پایبند بشر به زمین جهت رفع نیازهای ابتدایی و اساسی او می‌باشد. از این جهت از دیرباز همواره نطفه‌های اولیه شهرها را رودها تشکیل داده‌اند. این شریانهای حیاتی، نبض چگونگی شکل‌گیری، قرارگیری و نحوه ارتباط فضاها را با یکدیگر و در نتیجه، بافت و سیمای شهر را در اختیار دارند. از نقطه نظر شخصیت کالبدی و نقشی که رودها در شکل‌گیری شهر داشته‌اند، می‌توان آنها را به سه دسته

تقسیم بندی نمود.

دسته اول رودهایی هستند که هسته‌های اولیه شهر به همراه برج و باروها در کنار آنها پدید آمده‌اند. در اکثر این شهرها دو عامل اصلی سبب شکل‌گیری شهر در کنار رود شده است. عامل اول که علت پیدایش اکثر شهرها در مجاورت رودخانه می‌باشد، استفاده از آب آنها برای آشامیدن، کشاورزی، آسیابها و نیازهای دیگر زندگی بوده است. عامل دوم که به عبارتی سبب شکل‌گیری شهر در یک طرف رودخانه بوده است، عامل دفاعی آن و نقشی است که رودها در زمان جنگ برای دفاع از شهر ایفا می‌کرده‌اند.

دسته دوم شامل بسیاری از شهرهای شمالی کشور می‌باشد. شهرهایی که به دلیل وجود کوههای البرز در جنوب به عنوان حصار محکم و دریای خزر در شمال نیاز به استفاده از عامل دفاعی به نام رودخانه کمتر به چشم خورده است. به عنوان مثال شهر جرجان که در محل اتصال دو رود به یکدیگر شکل یافته، هسته اولیه شهر، در اطراف محل تلاقی رودها با یکدیگر و در دو طرف آنها به وجود آمده است. در چنین شهرهایی مشخص است که رود، بیشترین نقش را در پیدایش و شکل‌گیری شهر دارا بوده است.

دسته سوم رودهایی هستند که در آغاز پیدایش شهر با قرار داشتن در فاصله نسبتاً زیاد از هسته اصلی شهر، هیچ نقشی در شکل‌گیری آن نداشته‌اند، ولی با گذشت زمان و گسترش شهر به تدریج رود به شهر ملحق شده و متعلق به شهر گردیده است.

بعد از از هم پاشیدن حکومت پارتی توسط اردشیر سرسلسله حکومت ساسانی، حکومت مستقل گرگان نیز زیر سلطه اردشیر درآمد. در این دوره گرگان استانی مستقل بود. نام آن در کتیبه سه زبانه شاپور در کعبه زردشت و اثر مهرهای اداری این دوره آمده است.

مرکز آن شهر جرجان و جزء دارالضرب دولت ساسانی بود. اگر چه در مورد موقعیت این شهر ساسانی اطلاعی دقیق در دست نیست لیکن گمان می‌رود که در حوالی شهر دوران اسلامی جرجان که خرابه‌های آن در کنار شهر جدیدالتاسیس گنبد قابوس است قرار داشته و شهر جرجان که در منابع اسلامی به یزید بن المهلب نسبت داده شده است می‌تواند احتمالاً بر روی آثار شهر قدیمی ساسانی ساخته شده باشد.

جرجان به صورت استقرار کوچکی در حوالی امامزاده زید بن یحیی در بستر رودخانه‌های گرگان رود و چهل جای شکل گرفته است. در دوران سامانی و آل بویه شهر وسعت

گرفته و به صورت یکی از مراکز هنر اسلامی در آمد.

در منابع جغرافیایی جانب خاوری را شهرستان ذکر کرده و از باغستان‌های انار، زیتون، خربزه و نارنج و لیمو و انگور یاد می‌کند و نهرهایی که بر روی آنها پل بسته‌اند. میدانی در مقابل دارالاماره بوده و شهر نیز دارای نه دروازه بوده است و نام محلات آن را می‌آورد. شهری گران قدر و ثروتمند. بازارها و مساجد آن زیبا و هم او یاد می‌کند که مساجدها را نقاشی کرده و دیوارها را آراسته‌اند و در میان شهرها آن را مشابه شهر دمله فلسطین می‌دانند. در مورد بکرآباد مقدسی می‌گوید: که شهری است آباد با مساجد زیبا و گورستانی بزرگ که به قول او بزرگتر از آن در هیچ شهری نبوده است و از نهر معروف آن به نام طیفوری نام می‌برد.

ظهور اسلام در اوایل قرن هفتم میلادی سرنوشت سیاسی، اقتصادی، مذهبی و هنری بسیاری از کشورهای کهن جهان آن روز را تغییر داد. در کمتر از نیم قرن قدرت روز افزون اسلام از شرق تا هند و از غرب تا اسپانیا گسترش یافت و در نتیجه هنرهای گوناگون بویژه معماری دستخوش دگرگونی گردید و شالوده هنرهای اسلامی از نفوذ و ترکیب هنرهای ممالک مغلوب مانند ساسانیان بوجود آمد. در قرن اول هجری با حکومت امویان شهر دمشق در سوریه مرکز حکومت گردید و این شهر از مراکز مهم هنرهای اسلامی گردید. با روی کار آمدن عباسیان در حدود سال ۱۳۳ هجری، مرکز حکومت و هنرها به پایتخت جدید یعنی بغداد، که زمانی پایتخت شاهان ساسانی بود منتقل شد. در این دوره یکی شیوه هنری کاملاً ایرانی بوجود آمد و هنرهای گوناگون بخصوص معماری و شهرسازی با الهام از شیوه هنری ساسانیان رایج گردید. شهرهای اولیه اسلامی تا حدود زیادی تحت تأثیر معماری و شهرسازی دوره ساسانی ساخته و بنیان گذاری شد ولی عوامل جدید مانند علل مذهبی - اقتصادی سیمای شهرهای اسلامی را از دوره متقدم متمایز کرد. تحقیقات باستانشناسی نشان می‌دهد که شهرهای قرون نخستین اسلامی به دو گونه ایجاد شده است:

۱- شهرهای نوساز

۲- شهرهای تغییر شکل یافته

حکومت های اسلامی قرون اولیه، بیشتر ترجیح می‌دادند که شهرهای جدیدی را احداث نمایند مانند بغداد که پس از احداث آن به مرکز خلافت عباسی تبدیل شد. بعضی از شهرهای قرون اولیه اسلامی ایران نیز بازسازی شد و از اهمیت خاصی برخوردار گردید مانند ری، اصفهان و جرجان.

استقرار حکومت های ایرانی مانند ساسانیان، آل بویه و آل زیار و آرامش نسبی سیاسی رفته رفته در شهرسازی و شهرنشینی تحولاتی بوجود آمد و با گسترش راه های ارتباطی، کاروانی و توسعه تولیدات کشاورزی و صنعتی و بالاخره فعالیت های تجاری و اقتصادی موجب رشد سریع شهرنشینی در قرون اولیه اسلامی گردید. مهمترین مرحله شهرنشینی و شهرسازی در ایران از قرون میانی همزمان با روی کار آمدن سلجوقیان آغاز میشود. عصر سلجوقی یکی از درخشانترین دوره خلق هنرهای مختلف در ایران است. آرامش سیاسی، رونق اقتصادی، ذوق و سلیقه معماران و شهرسازان کاربرد مصالح ساختمانی مانند آجر و کاشی و بالاخره تنوع در نقشه های گوناگون در فضای معماری موجب آن شد که متخصصان هنر اسلامی سلجوقیان را از توسعه دهندگان بزرگ معماری بدانند.

شهرهایی چون اصفهان، ری، جرجان و نیشابور از جمله شهرهایی هستند که آبادانی و عظمت خود را توسط سازندگان سلجوقی در آن روزگاران بدست آوردند. بطور کلی آشنایی با سیمای واقعی شهرهای اسلامی و شناخت آن از دیدگاه اجتماعی - معماری و ویژگیهای آن تا حدود زیادی نیاز به بررسی و کاوشهای باستان شناسی در شهرهای معروف ادوار اسلامی بخصوص دوره میانه اسلامی دارد.

اگرچه در این زمینه تحقیقات و کاوشهای باستانشناسی در بعضی از شهرهای اسلامی انجام شد، ولی این پژوهشها برای شناخت تمامی ابعاد و ویژگی های یک شهر کافی به نظر نمی‌رسد. شناخت ویژگی هایی مانند نقشه شهرها، الگو شهرها، برج و بارو و مکان های اجتماعی مانند بازار، مساجد، مدارس، حمامها، کاروان سراها، واحدهای مسکونی، محله صنعتگران، محله کشاورزان اصناف، محله حاکم نشین و دروازه ها، آب رسانی، کوچه ها، گذرها، محلات و بالاخره جای گیری اقشار مختلف در شهرها و روابط آنها با یکدیگر که در مجموع بافت و شکل گیری یک شهر را در بر می‌گیرد. بطور کلی هر یک از بخش های شهرهای اسلامی دارای ویژگیهایی است که در مجموع معرف سیمای شهرهای اسلامی هستند، این ویژگیها شامل ارگ، شارسنجان و ریاض می‌باشد که از نظر معماری و شهرسازی می‌تواند نمایانگر سیمای شهرها در این دوره می‌باشد.

کهندژ یا ارگ شهر جرجان در قسمت مرکزی شهر قرار داشته و بناهای مذهبی، دولتی و صنعتی در میان و اطراف ارگ متمرکز بوده است. ارگ جرجان در سده هفتم هجری

قسمتهای مختلف شهر نیشابور و جرجان نام برد. متأسفانه اطلاعات ما درباره نحوه طرح و نقشه شهرها توسط شهرسازان و معماران اسلامی اندک است. بطور کلی می‌توان گفت که معماری و شهرسازی جرجان تحت نفوذ شهرسازی و معماری قبل از اسلام بخصوص دوره ساسانی شکل گرفته. ولی جنبه‌های گوناگون بویژه علل مذهبی در بافت شهر دگرگونی‌هایی بوجود آورد و شهرسازی آن با پیروی از شیوه شهرسازی گذشته از یک طرف و نوآوری در ایجاد بناهای مذهبی مانند مساجد و مدارس از طرف دیگر توسعه و گسترش یافته با آنکه اساس شهرنشینی آن از دوره متقدم سرچشمه گرفته ولی دارای ویژگیهایی است که در دوره قبل از اسلام به چشم نمی‌خورد و همین ویژگی‌ها تأثیرگذار بر معماری بعد از خود از جمله دوره ایلخانی و تیموری و حتی صفوی می‌باشد.

بنام دهستان معروف بوده و به قول جغرافی دانان و مورخان اسلامی به بزرگی ارگ ری بوده است. از دیگر عناصر شهرهای اسلامی حصار برج و بارو است و اغلب شهرها دارای برج و حصار بوده است. شهر جرجان نیز دارای دیوار یا حصار داخلی و خارجی بوده و خندقی بین دیوارها ساخته شده است. مصالح ساختمانی بکار رفته در حصار جرجان از آجر گچ و سنگ بوده است. اندازه آجرها مختلف ولی عموماً ۵*۲۵*۲۵ و در بعضی قسمتها از آجرهای ۱۰*۵۰*۵۰ سانتی متر که در معماری و شهرسازی اشکانی رایج بوده استفاده شده است. از دیگر عناصر شهرهای اسلامی بناهای مذهبی بخصوص مساجد و مدارس را باید نام برد که از پایه‌های اصلی شهر بوده است. بناهای مذهبی در جرجان در نزدیکی ارگ قرار داشته و بنا به نوشته مقدسی مساجد زیبا و معتبری در جرجان وجود دارد که دیوارهای آن بصورت بسیار زیبایی نقاشی شده است و مدارس نیز اغلب در کنار مساجد واقع شده بود و از نظر پلان عموماً از نقشه مساجد اقتباس می‌شد.

فهرست منابع

۱. ابن حوقل، صوره الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۴۵.
۲. اشمیت، ف. اریک. پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران، ترجمه آرمان شیشه‌گر، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶.
۳. افسر، کرامت الله و موسوی، سیداحمد. پاسداری از آثار باستانی عصر پهلوی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.
۴. درویش روحانی، موسی. گزارش بررسی و شناسایی آثار تاریخی گرگان، گزارش چاپ نشده دفتر آثار تاریخی، ۱۳۶۴.
۵. دمرگان، ژاک. مطالعات جغرافیایی هیات علمی فرانسه در ایران، ترجمه کاظم ودیعه، تهران، انتشارات چهار، ۱۳۳۸.
۶. ستوده، منوچهر. از آستارآباد تا استارآباد، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، جلد یک، ۱۳۷۷.
۷. عمرانی رکاوندی، حمید. گزارش ساماندهی جرجان، گزارش چاپ نشده مرکز اسناد پژوهشکده باستانشناسی، ۱۳۷۹.
۸. کیانی، محمدیوسف. گزارش مقدماتی بررسی‌های دشت گرگان، دومین مجمع سالانه کاوشها و پژوهشهای باستانشناسی ایران، تهران، موزه ملی، ۱۳۵۴.
۹. لباف خانیکی، رجبعلی. گزارش بررسی و شناسایی حوزه اترک رود، گزارش چاپ نشده مرکز باستانشناسی ایران، ۱۳۵۶.
۱۰. مستوفی، حمدالله. تاریخ گزیده، ترجمه عبدالحسین نوائی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۹.
۱۱. ملک شه میرزادی، صادق و نوکنده، جبرئیل. آق‌تپه، مدیریت میراث استان گلستان، ۱۳۷۹.
۱۲. مرحوم مهریار و همکاران، گزارش ساماندهی محوطه جرجان، گزارش چاپ نشده دفتر ثبت آثار تاریخی، ۱۳۶۱.

بازارها و مراکز اقتصادی از دیگر ارکان شهرهای اسلامی است که عموماً در اطراف مساجد قرار داشتند. بازارها عموماً محوطه‌های سرپوشیده و بزرگی بودند که اصناف مختلف به داد و ستد مشغول بودند. و با رونق اقتصادی و توسعه تجارت به تدریج سراها، تیمچه‌ها و کاروانسراها به جمع بازار اضافه شد. شهر تاریخی جرجان به دلیل واقع شدن در شاهراه تجاری کاروانها دارای بازارهای بسیار پررونقی بوده است. جرجان در قرن چهارم هجری شهری بوده است آباد با مساجد و بازارهای زیبا و پررونق که بزرگتر از آن در هیچ شهری نبوده است.

شهر تاریخی جرجان دارای خیابانها و گذرهای آجر فرش و دارای شبکه بندی شمالی - جنوبی و شرقی - غربی است و تقریباً تمام شهر را در بر می‌گرفت و کانالهای آب در وسط خیابانها یا کنار خیابانها در جریان بوده و بوسیله تمبوشه‌های سفالی از کانالهای سراسری به واحدهای مسکونی اطراف وارد می‌شد.

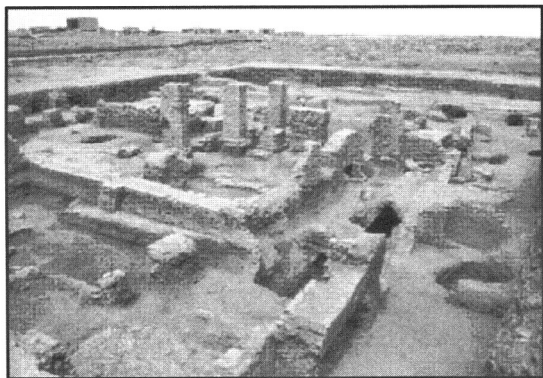
بطور کلی بررسی نقشه شهرهای اسلامی نشان می‌دهد که بسیاری از شهرهای اسلامی از یک شیوه و روش شهرسازی استفاده کرده و احتمالاً معماران و طراحان بسیاری از شهرها شخص یا افراد واحدی بوده‌اند به عنوان نمونه می‌توان از شیوه احداث ارگ شهر بخارا با ارگ طوس و شهرسازی

17. Arne, T.J. Excavations at Shah Tepe, Stockholm. De Bode, c. "on a Recently opened Tumulus in the Neighbour hood of Asterabad" "Archaeologia" 30, 1884.
18. Boucharlat, R. and o. le comte, "Fouilles de Tureng Tepe" Paris: C.N.R.S. 1987.
19. Bivar, A.D.H. Feherevari, "the walls of Tammisha" Iran, vol. IV, 1966.
20. Kiani, M. Y. "Parthian sites the Hyrcania" the Gurgan Plain, Berlin: 1982.
21. MC burniy, C.B.M. Preliminary "Report on ston Age Reconnaissance in North Eastern Iran" Proceeding of the prehistory society for New series, Vol 30. 1964.
22. Shiomi, Hirosh. "Archaeological Map of the Gorgan Plain, Iran" Hiroshima university, No. I. 1976.

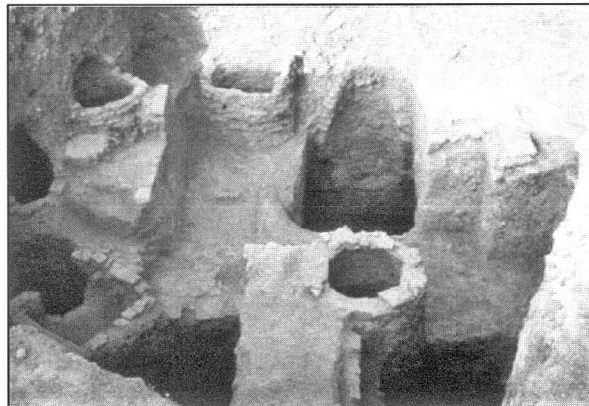
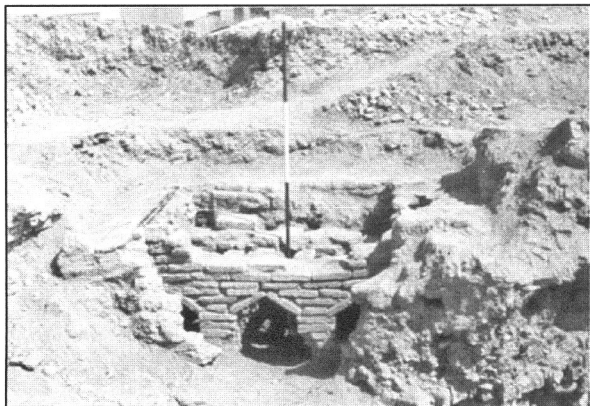
۱۳. نوکنده، جبرئیل و عمرانی، حمید. گزارش بررسی باستانشناسی سدصوفی شیخ، گزارش چاپ نشده مرکز اسناد پژوهشکده باستانشناسی، ۱۳۷۹
۱۴. نوکنده، جبرئیل و همکاران. گزارش بررسی و گمانه‌زنی تمیشه، گزارش چاپ نشده مرکز اسناد پژوهشکده باستانشناسی، ۱۳۸۱.
۱۵. نیکخواه، جعفر. گزارش بررسی و شناسایی حوزه گرگان رود و اترک، گزارش چاپ نشده مرکز اسناد استان مازندران، ۱۳۶۷.
۱۶. واندنبرگ، لویی. باستانشناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.



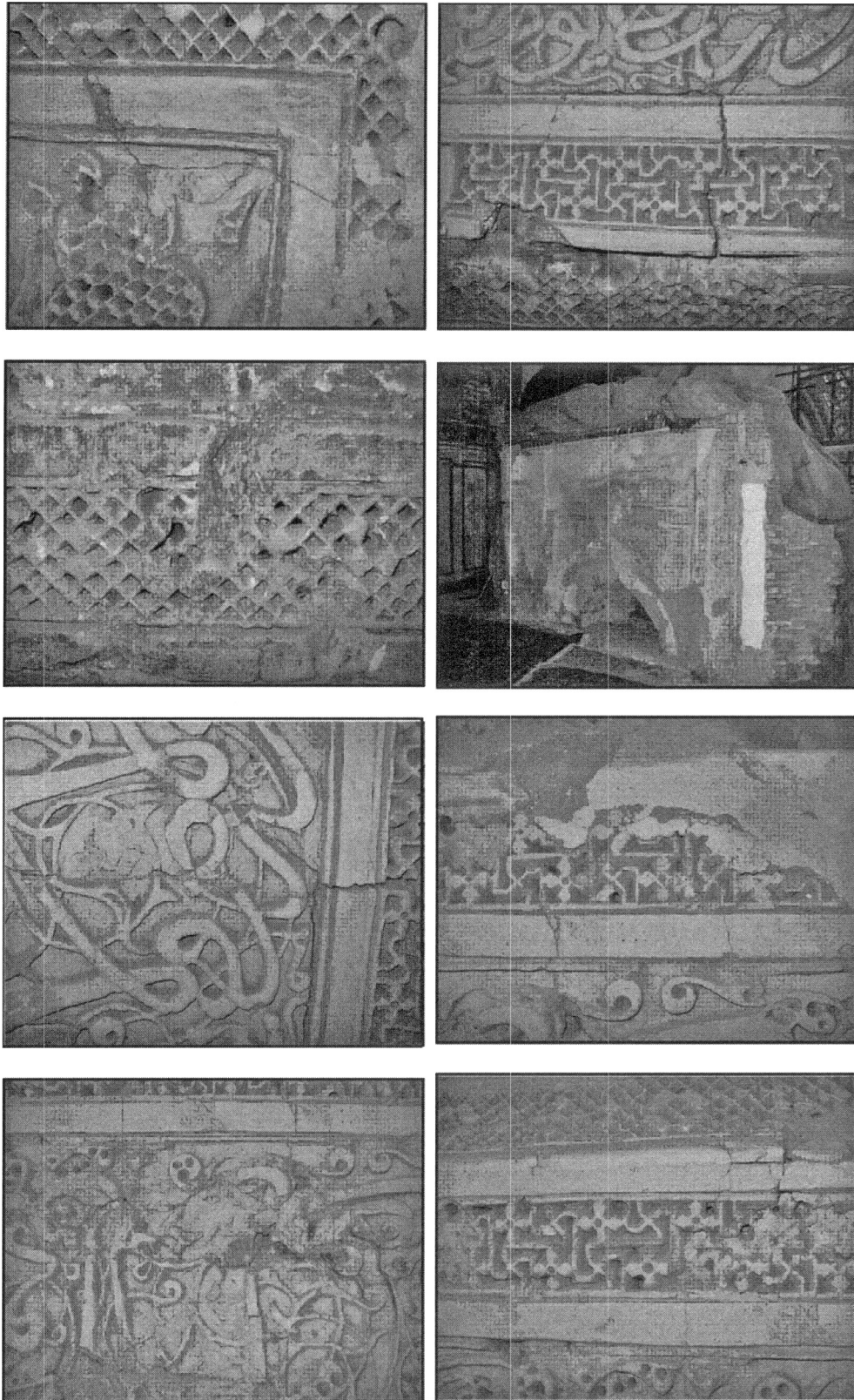
تصویر هوایی محوطه‌ی باستانی جرجان



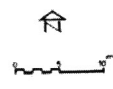
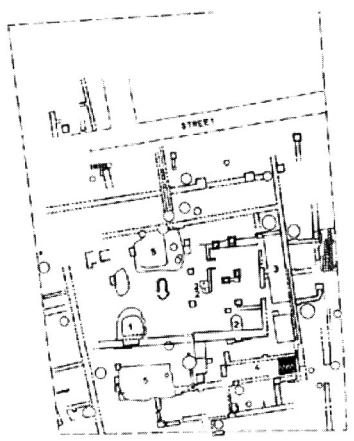
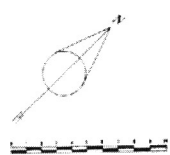
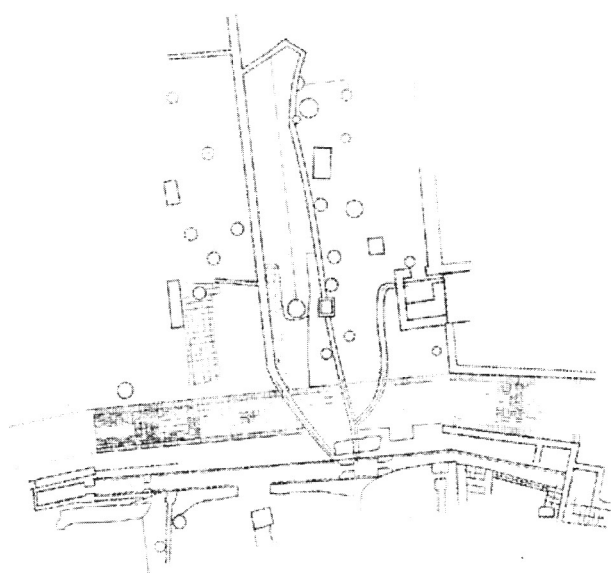
تصویر واحدهای خدماتی مکشوفه از جرجان



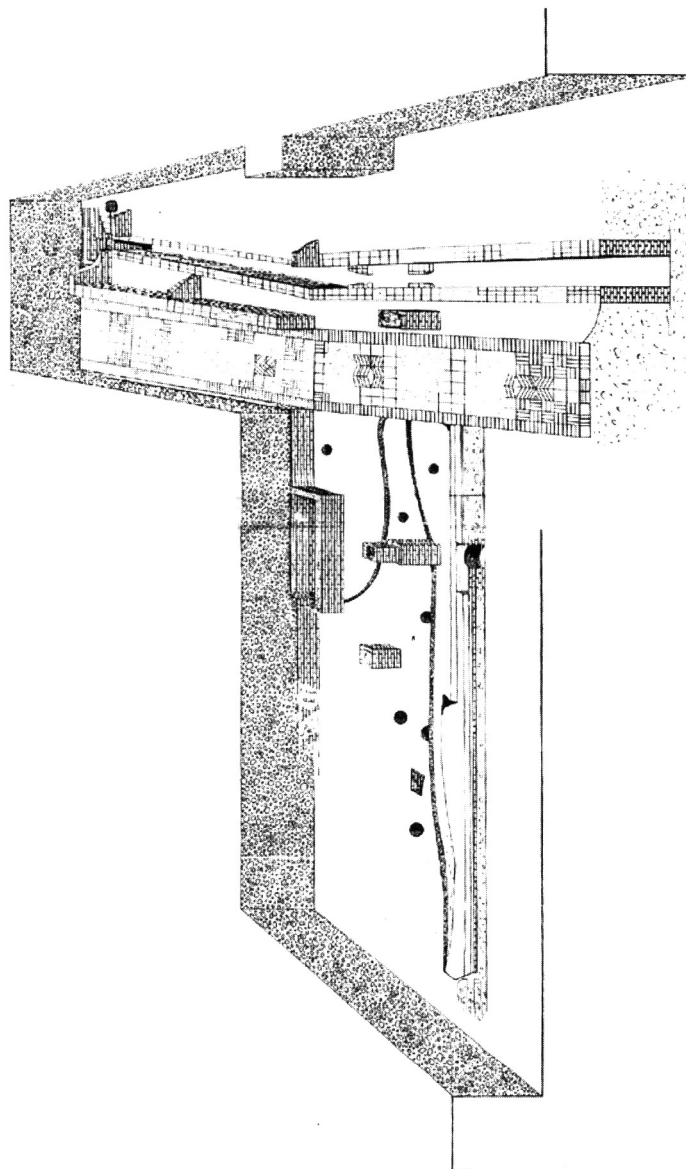
تصویر واحدهای صنعتی مکشوفه از جرجان



بقایای گچ بریهای مکشوفه از جرجان



پلان واحدهای صنعتی مکشوفه از جرجان



پلان واحدهای خدماتی مکشوفه از جرجان